

اهمیت روش تربیتی معاد باوری در نامه ۳۱ نهج البلاغه

مجید آزاد^۱، فاطمه حسینی^۲

^۱ دانش اموزته دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

^۲ دانش اموزته سطح دو جامعه الزهرا

چکیده

تربیت انسانی در سایه استفاده از معارف قرآن و عترت، همواره مورد اهتمام اولیای دین و شاگردان مکتب اهل بیت بوده است. در این میان نهج البلاغه پس از قرآن، با معارف عمیق و پر مغزش مورد توجه ویژه قرار داشته است. نامه ۳۱ نهج البلاغه که اصول تربیتی و بنیادین در مسیر انسان سازی و انسانی زیستن را آموزش می دهد، نامه ای از امیر کلام به فرزندش، در جهت راهنمایی او به سوی زندگی سعادت مندانه و حیات طیبیه است. در میان مؤلفه های متعدد و متنوع، سعادت مندی و تربیت انسانی، توجه به معاد، مرگ و اهمیت زاد و توشه برای سفر آخرت، مورد توجه امیرمؤمنان بوده است و بر آن تأکید نموده و اثرات آن را در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی گوشزد می کند و یاد معاد و مرگ را در سلوک معنوی و حیات مادی، حائز اهمیت فراوان می داند.

واژه های کلیدی: نامه ۳۱ نهج البلاغه، مرگ، معاد، تربیت انسانی، حیات ابدی

مقدمه

در کنار احادیث و روایات پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نهج البلاغه از سرمایه های بزرگ معنوی مسلمانان به شمار می رود که میزان بهره برداری از مضامین پرمغز آن به ظرفیت های درونی و تقوای افراد بستگی دارد.

در این میان نامه های نهج البلاغه دربردارنده مفاهیم بلند معنوی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عبادی فراوانی است. در میان آن ها، نامه ۳۱ نهج البلاغه امیرمؤمنان به امام حسن، یکی از ارزشمندترین معارف مکتوب ما است که امیرمؤمنان در آن ضمن حفظ رابطه پدر و فرزندی به روشی سخن رانده اند که همه انسان ها را مورد خطاب قرار می دهد و به جهت رشد و تعالی آن ها برنامه هایی جامع ارائه می کند.

نامه ای که امیرمؤمنان در سال ۳۸ هجری و در بازگشت از جنگ صفین برای فرزندش امام حسن نوشته اند، موارد مهم و تأثیرگذاری در زندگی معنوی و تربیت انسانی را، به همه انسان ها و فرزند دلبندهش گوشزد می کند.

امیرمؤمنان در این نامه از انسان و حوادث روزگارش سخن می گوید، مراحل خودسازی را تذکر می دهد، به اخلاق اجتماعی می پردازد و دلیل شتاب در تربیت فرزند را می گوید.

روش های تربیت را گوشزد می نماید و ضرورت توجه به معنویات در تربیت انسان ها را یادآور می شود. آخرت گرایی و ضرورت توجه به جمع آوری زاد و توشه برای منزل آخرت و معیارهای روابط اجتماعی برای زندگی انسانی مورد توجه حضرت است.

در ادامه به قدرت و رحمت الهی، توجه می دهد، دعا و شرایط اجابت دعا را ترسیم می کند، به ضرورت یاد مرگ و شناخت دنیا پرستان اشاره دارد و در ادامه ارزش های گوناگون اخلاقی را با توجه به واقعیات زندگی انسان مورد توجه قرار می دهد. حقوق دوستان را یادآور می شود. ارزش های اخلاقی را مطرح می کند و در آخر به جایگاه مهم زن و چگونگی برخورد با بانوان اشاراتی دارند. اما آنچه ما در این مقاله به آن می پردازیم آن بخش از سخنان امیرمؤمنان در این نامه ارزشمند است که «تأثیر توجه به آخرت و آخرت گرایی در تربیت انسان و زندگی معنوی و انسانی» را بررسی می کند. اما در یک نگاه کلی و جامع باید گفت، ایشان در این نامه، مؤلفه های زندگی معنوی و انسانی را مطرح می کنند و توضیحات ارزشمند چگونگی پیاده کردن را نیز می دهند، تا دلبنده عزیزش را به سوی یک زندگی سعادت مند سوق دهد.

از آنجا که امام علی علیه السلام «در شهر علم پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله» و امیر کلام است، زیباترین عبارات براساس مفاهیم و شاخص های یک زندگی نورانی و ارزشمند را در بخش هایی از نامه ۳۱ نهج البلاغه و در سه عنوان «توجه به آخرت» و «تلاش در جهت جمع آوری زاد و توشه» و «یاد مرگ» در ۱۴ توصیه مهم به فرزندشان بیان می کند.

۱. آگاه کردن از بی ارزشی و گذرا بودن دنیا و تغییرات گوناگون آن؛

۲. اطلاع رسانی از آنچه در آخرت برای انسان فراهم است؛

۳. دنیا محل عبور و کوچ است و ما مسافرانی در منزلی بی آب و علف و سخت هستیم؛
۴. برای رسیدن جایگاه امن و منزلگاه پر آرامش قیامت باید سختی های این سفر را پذیرا و صبور بود؛
۵. برای رسیدن به منزل گاه امن، هزینه های سفر غرامت نیست و سختی ها و جدایی های آن نباید ما را ناراحت کند؛
۶. برای سفر زاد و توشه لازم است، کار و تلاش در بندگی و سبک کردن بار گناه زاد و توشه ای ارزشمند است؛
۷. انفاق را فراموش نکن که بردن زاد و توشه توسط مستمندان است؛
۸. هنگام بی نیازی کمک به دیگران را برای خود غنیمت بشمار چرا که در زمان تنگدستی به تو باز می گردد؛
۹. سبک بار باش، چرا که از گردنه های صعب العبور بهتر می توانی عبور کنی؛
۱۰. برای جایگاهت در قیامت آماده باش که راه بازگشتی نیست؛
۱۱. برای آخرت آفریده شده ای نه برای دنیا؛
۱۲. از یاد مرگ غافل نباش اجل ناگهان فرامی رسد؛
۱۳. هنگام مرگ برای سفر آماده باش؛
۱۴. از دلبستگی به دنیا اجتناب کن که مرگ را سخت می کند.

مسئله

ما در این پژوهش به دنبال بررسی، توجه ویژه امیرمؤمنان به مسئله جهان پس از مرگ و تأثیرگذاری آن بر تربیت مادی و معنوی، افراد هستیم که چگونه یاد مرگ انسان ها را به مراقبت در زندگی دنیا و آمادگی برای زندگی ابدی آخرت آماده می کند.

پیشینه پژوهش

پژوهشی با رویکرد، توجه به تأثیرگذاری یاد مرگ و آخرت در تربیت انسانی باتوجه به نامه ۳۱ نهج البلاغه یافت نشد. اما در همین راستا می توان به مقاله «مدل زیست معنوی امام علی^{علیه السلام} در نامه ۳۱»، نوشته مریم خادمی. همچنین «منشور جوانی از دیدگاه امام علی^{علیه السلام}»، نوشته محمد سبحانی نیا و «نظام تربیت اخلاقی در نامه ۳۱ نهج البلاغه»، نوشته همایون رستمی اشاره کرد.

۱. اصالت آخرت و ضرورت زاد و توشه

بر اساس معارف بلند اسلام عزیز در ارتباط با دنیا و زندگی دنیا آن چه مورد مذمت قرار گرفته، وابستگی و تعلق به دنیا است. ارتباط با دنیا و زندگی در آن اگر هدف و مقصد برای زندگی باشد و دنیا اصالت پیدا کند دچار خسارت بسیار خواهیم شد.

اما اگر دنیا وسیله‌ای باشد برای رسیدن به سعادت و کمال در دنیا و آرامش آخرت ارزش پیدا می‌کند.

دنیا نه تنها بی ارزش نیست بلکه وسیله‌ای ارزشمند برای رسیدن به اهداف والا و بالای انسانی است.

رابطه انسان با دنیا اگر به صورت «وابستگی» انسان باشد، موجب محو و نابودی تمام ارزش‌های عالی انسان می‌گردد.

اگر هم‌وغم انسان، تلاش‌ها و آرزوهایش در حد خوردن و خوابیدن باشد به فرموده علی^{علیه السلام}: «ارزشش با آنچه از شکم خارج می‌گردد برابر است».^۱

در معارف دینی ما اهمیت آخرت آن‌چنان است که به فرموده امام حسین: «گویا از اول دنیا نبوده است و آنچه بوده آخرت بوده است».^۲

قرآن کریم به کسانی که اصالت را به زندگی دنیا می‌دهند و زندگی آخرت و ملاقات الهی را انتظار ندارند، اندازهایی می‌دهد، از جمله خداوند می‌فرماید: «آنان که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیا رضایت داده و دل بسته‌اند آنها از آیات و نشانه‌های ما غافل‌اند».^۳ در این آیه خداوند امید به زندگی دنیای مادی و قانع شدن و آرامش گرفتن از آن را مورد مذمت قرار می‌دهد.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «آنان به زندگی دنیا شادمان و دلخوش شدند که زندگی دنیا متاع ناقابل‌ی بیش نیست».^۴

همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «تنها به ظواهر زندگی دنیا آگاهی دارند و از آخرت بی‌خبرند و ناآگاه».^۵

همه این آیات و آیات دیگری که مجال اشاره به آنها نیست، این موضوع را یادآوری و تأکید می‌کند که نباید نهایت آرزوی انسان دنیا باشد چرا که سرگرمی و زندگی دنیا انسان را قربانی حیوانیت خواهد کرد و از انسانیت ساقط می‌کند.

در خطبه ۳۲ نهج‌البلاغه مردم به دو گروه تقسیم شده‌اند، به اهل دنیا و اهل آخرت.

و اهل دنیا از نگاه امیرمؤمنان به چهار گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول؛ مردمان گوسفند صفت که زشت کردار نیستند اما عرضه کاری را هم ندارند.

گروه دوم؛ حرص و دنیاطلبی دارند و همت و قدرتشان را، فراهم آورده‌اند برای رسیدن حکومت و ثروت دنیا و از هیچ و جنایت و فساد کوتاهی نمی‌کند.

۱. غررالحکم، حکمت ۱۸۸۳۰

۲. کامل الزیارات، ج ۱ ص ۲۷۵

۳. سوره یونس/۴۶

۴. سوره رعد/۳۰

۵. سوره روم/۲۶

گروه سوم؛ گرگانی هستند در لباس گوسفند اهل دنیا، در لباس اهل آخرت، بازیگرانی هستند میان مردم، طوری ظاهر می‌شوند که اعتمادها را جلب می‌کنند اما منافقانی بیش نیستند.

گروه چهارم؛ در حسرت مقام به سر می‌برند آرزوی مقامات دنیا را می‌کشند اما چون توان رسیدن به آن را ندارند به گوشه عزلت پناه می‌برند و لباس زهد می‌پوشند.

در نگاه امیرمؤمنان، همه این افراد با تمام اختلافاتی که در روش زندگی دارند، «اهل دنیا» نامیده می‌شوند.

خصوصیت مشترک همه آنها حب دنیا و غفلت از آخرت است. اینها انسان‌هایی هستند اسیر و برده مال و مقام و ثروت دنیا هستند.

از منظر امیرمؤمنان انسانیت انسان ارزشی بسیار بالاتر از دنیا و تعلقات آن دارد. تا آنجا که به فرزند عزیزش توصیه می‌کند، «نفس خویش را از آلودگی و پستی‌ها گرامی بدار در برابر آنچه از خویشتن خویش می‌پردازی، بهایی نخواهی یافت».^۶

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «همانا با خویشتن گران‌بها و گران‌قدر خود در همه هستی تنها یک چیز را قابل معامله می‌دانم و آن پروردگار است».^۷

این یعنی هیچ‌چیز در عالم و در زندگی مادی دنیا، با ارزش انسانی برابری نمی‌کند.

از تأمل در این مفاهیم بلند معنوی، می‌توان نتیجه گرفت، اسلام عزیز، ارزش جهان را کاهش نداده است، بلکه ارزش انسان را بالا برده است.

اسلام دنیا را برای انسان می‌خواهد، نه انسان را برای دنیا و زندگی. به فرموده شیخ العارفین، حضرت آیت‌الله بهجت، رضوان‌الله علیه: «ما آمده‌ایم به این دنیا، زندگی کنیم که قیمت پیدا کنیم، نه به هر قیمتی زندگی کنیم».^۸

هدف اسلام، احیای ارزش‌های انسانی است البته نه به معنای بی‌ارزش کردن جهان. چرا که دنیا در نظر انسان‌های هوشمند و مؤمن، پلی است که از آن عبور می‌کنند، کمال میابند و به سعادت اخروی نائل می‌شوند.

در حقیقت ایمان به حیات بعد از مرگ پاسخ مثبت به نیاز طبیعی بشری است.

برخلاف عقیده مادیون که می‌گویند؛ ایمان به حیات ابدی آخرت، در امور فردی و اجتماعی اثرات منفی می‌گذارد و قدرت تحرک و نشاط را از آدمی سلب کرده و او را به انزوای اجتماعی می‌کشاند، ما معتقدیم، ایمان به آخرت نه تنها آثار منفی ندارد بلکه آثار بسیار مثبت و سازندهای در زندگی فردی و اجتماعی دارد.

۶. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۷. عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۶۸۹.

۸. شط شراب، نکات اخلاقی آیت‌الله بهجت.

نقش معاد در فکر، روح، اخلاق و اعتقادات فردی کاملاً روشن است؛ زیرا انسان معتقد به معاد، خود و جهان را با دیدی واقعی می‌نگرد و خویشتن را موجود با دورانی کوتاه و چندروزه می‌داند که به همراه کاروان جهانیان به‌سوی جهانی پاینده و ابدی در حرکت است. با این باور و اندیشه او از محدوده‌ای جهان مادی آزاد می‌شود تا به معنویات و جهان ابدی برسد و به غیب و شهود دست پیدا کند. نقش اعتقاد به معاد در رشد اخلاق روشن است؛ زیرا این توجه معاد و طرز تفکر، احساسات را تعدیل کرده و آن را با خطمشی منطقی و معنوی که باهدف نهائی انسان یعنی رسیدن به کمال مطلوب سازگار می‌سازد. کسی که معتقد است بر روی جاده‌ای مشخص در جهان هستی قرار دارد و به‌طرف هدف نهائی آفرینش می‌رود غرایز او نظیر ریاست‌طلبی، خودخواهی، مال دوستی، شهوت و غضب، طغیان نمی‌کند، تا باعث سرکشی و تجاوز به حدود و حقوق دیگران شود. این خودکنترلی، جلوی انسان برای رسیدن به شکم و شهوت، و اینکه خود را تبدیل به یک موجود بی‌اراده نماید، می‌گیرد، بلکه او را وادار می‌کند، لحظات زندگی خود را در راه ایثار و فداکاری، خدمات اجتماعی و تلاش‌های پرثمر صرف کند، در راه حق و سعادت عمومی گام بردارد و حیات ابدی خود را تأمین نماید، و در این راه از جانفش نیز دریغ نکند. ایمان به رستاخیز اثر عمیقی در تربیت انسان‌ها دارد، از او انسانی می‌سازد که «شهادت» در راه هدف مقدس الهی را محبوب‌ترین چیزها و آغازی برای یک زندگی ابدی و جاودانی می‌داند.

بازدارنده از گناه

ایمان به قیامت یک عامل بازدارنده مهم در برابر گناه و نافرمانی است و انسان را در برابر گناه کنترل می‌کند، و از سویی دیگر، عامل محرک نیرومند برای تشویق سرمایه‌گذاری مادی و معنوی در راه خدمت به مردم است. گناهان ما باایمان به خدا و آخرت نسبت معکوس دارند، به هر میزان که ایمان قوی‌تر باشد آلودگی به گناه کمتر است. خداوند خطاب به حضرت داود علیه‌السلام می‌فرماید: «ای داوود! کسانی که از راه خدا گمراه شوند، عذاب شدیدی به‌خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.»^۹ در این آیه خداوند، رابطه مستقیم گمراهی و فراموشی آخرت را گوشزد می‌کند.

مسئولیت و تعهد

اعتقاد به معاد، در انسان ایجاد مسئولیت و تعهد می‌کند، او را در قبال خود و دیگران، متعهد می‌کند و بی‌تفاوتی نسبت به فرامین الهی را از انسان دور می‌نماید، چون می‌داند به‌زودی در پیشگاه، میزان عدل الهی، باید پاسخگوی اعمال خود باشد.

۹. سوره ص/۹۲۶

آرامش و اطمینان

اگر کسی واقعاً از عمق جان به معاد و آخرت ایمان داشته باشد، و معتقد باشد اعمالی را که انجام می‌دهد، در قیامت همراه او خواهد بود، زندگی برایش معنا پیدا می‌کند و در آرامش زندگی خواهد کرد. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».^{۱۰}

نگرانی و اضطراب ندارد، و همیشه قلبی آرام و پر بهجت دارد.^{۱۱}

هر انسانی طبق تفکرات و باورهایش عمل می‌کند. اعمال فردی و جمعی زاده عقیده و ایمان است. تحول هر جامعه به دگرگونی عقائد و فرهنگ آنان بستگی دارد. زمینه‌های فکری و فرهنگی، سازنده شکل عینی و عملی جوامع بشری است.

از این رو ایمان به معاد و زندگی آخرت، می‌تواند روال فکری جامعه را تغییر دهد.

ساختار اجتماعی پس از این اعتقاد تغییر می‌کند و در شئون فردی و اخلاقی و اجتماعی اثرات سودمندی به جای گذارد.

آنان که زندگی دنیا را آخرین مرحله حیات می‌دانند، چهره مرگ برای آنها وحشتناک و سخت خواهد بود، ولی کسانی که دنیا را گذرگاهی برای رسیدن به جاودانگی می‌دانند، با تحقق مرگ، هنگام بهره‌برداری از ثمرات اعمال می‌رسد، برای آنها مرگ پایان کار نیست و سرآغاز زندگی جدید خواهد بود.

معاد و اقتصادی

قرآن به کسانی که دادوستد دارند می‌گوید: «وای بر کم‌فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند. اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند! آیا آنها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند، در روزی بزرگ، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند.»^{۱۲}

در این جا قرآن با یاد قیامت جلوی کم‌فروشان را می‌گیرد.

این نمونه‌ای از نقش معاد است و البته ایمان به معاد در همه مسائل اقتصادی جامعه نقش اساسی دارد.^{۱۳}

اعتقاد به قیامت ریشه غفلت‌ها را از بین می‌برد، خداوند در قرآن می‌فرماید: «شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده آنان حزب شیطان‌اند!»^{۱۴}

۱۰. سوره رعد/۱۰۲۸.

۱۱. معاد، صالحی مازندرانی، ص ۵۷، قم نشر صالحان، چ اول، ۱۳۸۴.

۱۲. سوره مطففین/۱-۱۲۷.

۱۳. معاد، محسن قرائتی، ص ۱۳۴۷.

۱۴. سوره مجادله/۱۳-۴۱.

آنها کسانی هستند که غفلت همه وجودشان را فراگرفت و بر آنان چیره گشت و یاد خدا را از یادشان برد؛ و چون یاد معاد همان یاد مبدأ است، با نسیان مبدأ جریان معاد هم فراموش می شود.^{۱۵}

یکی از مهم ترین دستاوردهای ایمان به معاد، صداقت و وفای به عهد و دوری از خدعه، نیرنگ و خیانت به مردم است که امیرمؤمنان در نهج البلاغه به آن اشاره دارند: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ وَ لَا أَعْلَمُ جُنَّةً أَوْقَى مِنْهُ، وَ مَا يَغْدِرُ مَنْ عِلِمَ كَيْفَ الْمَرْجِعُ. وَ لَقَدْ أَصْبَحْنَا فِي زَمَانٍ قَدْ اتَّخَذَ أَكْثَرُ أَهْلِ الْغَدْرِ كَيْسًا»، «ای مردم؛ وفا، همراه راستی است که سپری محکم تر و نگه دارنده تر از آن سراغ ندارم، آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه است خیانت و نیرنگ ندارد.»^{۱۶}

ایمان به آخرت باعث جلوگیری از تضییع حقوق و ظلم و ستم به دیگران می شود. معادباوری انسان را به جایی می رساند که می گوید: «به خدا سوگند اگر شبها تا به صبح بستر من نوک خارهای جانگداز باشد، و روزها زنجیر در دست و پای من نهند و در کوچه و بازار بکشانند، از آن خوش ترم که در دادگاه بزرگ پروردگار خویش حاضر شوم، درحالی که ستمی بر بندهایی از بندگان خدا کرده باشم و حق کسی را غصب نموده باشم.»^{۱۷}

به همین دلیل همه ادیان و مذاهب الهی برای تربیت افراد و اصلاح اجتماعات، کوشش وسیعی برای پرورش ایمان به قیامت، در دل مردم به عمل آورده اند. به ویژه در قرآن کریم بخش مهمی از مسائل تربیتی از همین راه دنبال می شود.

جالب است بدانیم که قرآن می فرماید، نه تنها ایمان و یقین برای تربیت انسان کافی است، بلکه ظن و گمان به آن هم اثر عمیق دارد. «آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند، در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می ایستند.»^{۱۸}

قرآن در موارد مختلفی تأکید می کند که تنها امید و رجاء به آن جهان برای جلوگیری از طغیان انسان در برابر حق و انجام کارهای نیک کافی است: «... پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند.»^{۱۹}

بدین ترتیب این آموزه ها موجی از احساس مسئولیت در برابر همه رویدادهای زندگی در اعماق روح انسان که مؤمن به زندگانی پس از مرگ است به وجود می آورد.^{۲۰}

۱۵. معاد در قرآن، جوادی آملی، ج ۴، ص ۲۹، قم، چ اول، نشر اسرا^{۱۵}

۱۶. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴۱.

۱۷. همان، خطبه ۱۲۱۴.

۱۸. سوره مطففین/۵-۸۷.

۱۹. سوره کهف/۱۱۰.

انسان معاد باور، تلاش می‌کند، خوب زندگی کند و انسانیت حقیقی خویش را به منصه ظهور برساند، تا هم خود به کمال و آرامش ابدی برسد و هم دیگر انسان‌ها را با اعمال و رفتارشان به سوی زندگی سعادت‌مند رهنمون شود.

۲. یاد مرگ

نبی اعظم سلام الله علیه می‌فرماید: برترین زهد در دنیا یاد مرگ است، برترین عبادت یاد مرگ است، برترین تفکر یاد مرگ است.^{۲۱} بسیار ارزشمند است انسان ساعاتی از عمر خود را به این موضوع اختصاص دهد. کسانی که زیاد یاد مرگ باشند و یاد مرگ در جان آنها نفوذ کرده باشد به دنبال چاره‌جویی برای یک سفر طولانی خواهند بود و روح و جان خود را آماده این سفر و ملاقات الهی می‌کنند.

دعای با عظمت ابو حمزه ثمالی که از ناحیه امام سجاد علیه السلام صادر شده است در اهمیت یاد مرگ و توجه به آن مفاهیم بلندی دارد، از جمله: ... چرا گریه نکنم، درحالی که مرگ در بالای سر من در پرواز است، گریه می‌کنم برای بیرون آمدن جانم، گریه می‌کنم برای تاریکی قبرم، ...^{۲۲}

یاد مرگ از مهم‌ترین راه‌های سلوک معنوی و تربیت درونی انسان است که او را از غفلت و دلبستگی به زندگی زودگذر دنیا دور می‌کند، و او را به یاد زندگی ابدی آخرت امیدوارانه به حرکت وامی‌دارد.

«تربیت» به معنای پرورش استعداد های مادی و معنوی انسان است و هدف نهایی آن قرب الهی است. در سایه یاد مرگ جان انسان را جلا می‌یابد، یاد مرگ رذائل اخلاقی را از جان و دل می‌زداید، دل نبستن به آرزوهای فریبنده را در وجود انسان تحکیم می‌بخشد، کارهای شایسته با نیت خالص را افزایش می‌دهد و پرهیز از هرگونه ستم و ظلم به هم‌نوع را تقویت می‌کند.

یکی از آثار مهم تربیتی یاد مرگ مسئله عبرت‌آموزی است. امیرمؤمنان در خطبه ۲۲۱ نهج‌البلاغه در این رابطه می‌فرماید: این اجزا بدن پوسیده اگر مایه عبرت باشند سزاوارتر است تا موجب افتخار گردند. یکی از آثار بسیار مهم تذکر مرگ، آمادگی برای مرگ است که بر انسان تأثیرات فراوانی دارد. امیرمؤمنان در این رابطه می‌فرماید: دوست‌داشتنی‌ترین چیز مرگ است برای ایشان.^{۲۳}

۲۱. معاد و جهان پس از مرگ، ص ۷۵، مکارم شیرازی^{۲۰}

۲۲. میزان‌الحکمه، ج ۹، ح ۱۸۸۴۲

۲۳. مفاتیح‌الجنان، شیخ عباس قمی

نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۰

در معارف دینی ما یاد مرگ، آن قدر بااهمیت است و در سیر تربیتی انسان تأثیرگذار است، خداوند در همین راستا و در قرآن کریم ۱۶۴۱ آیه در مورد آخرت و زندگی بعد از مرگ بحث می کند. این تعداد نزدیک به ۲۶ درصد از کل آیات قرآن را به خود اختصاص داده است و نشان دهنده توجه فراوان خداوند به موضوع معاد و زندگی پس از مرگ است.

باتوجه به آنچه تاکنون بحث شد می توان نتیجه گرفت مرگ با رشد روحی و شکل گیری شخصیت افراد ارتباط نزدیکی دارد. بی جا نیست که بگوییم رفتار انسان ها واکنش در برابر مرگ است اما باید توجه داشت که رابطه مرگ و شخصیت، رابطه ای دوجانبه است و تنوع شخصیت نیز موجب بروز شیوه های گوناگون رویارویی با مرگ می شود.^{۲۴}

شناخت مرگ موجب ارتقا بخشیدن به معنای زنده بودن می شود چنان که امیرمؤمنان می فرماید: یاد مرگ از بیهودگی باز می دارد.^{۲۵} وقتی معتقد باشیم حیات جسمانی، نسبت به حیات روحی لحظه ای یا مدت زمان کوتاهی بیش نیست صبر و بردباری ما در ناملایمات بیشتر خواهد شد.

در پایان، نکته ای مهم را نباید از نظر دور داشت. یاد مرگ و اثرات تربیتی آن بسیار مهم است اما ذکر این نکته ضروری است با اینکه یاد مرگ برای انسان ارزنده و مفید است، ولی ترس بیش از اندازه از مرگ، زندگی انسان را دچار مشکل می کند و حتماً پر ضرر است.

«بیم و امید» و «خوف ورجا» در معارف دینی و ما توأمان توصیه شده است.

چنانچه خداوند می فرماید: «پروردگارشان را با بیم و امید می خوانند».^{۲۶}

۲۴۱۳۷۲، معتمدی.

۲۵ نهج البلاغه، خطبه ۸۴.

۲۶ سوره سجده/ ۲۱۷.

نتیجه گیری

اثرات تربیتی معادباوری و یاد مرگ، فراوان و برای سعادت‌مندی انسان و رسیدن به کمال مطلوب که یک مسئله فطری در وجود همه انسان‌هاست، بسیار ضروری و ارزشمند است. اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ و توجه جدی به مسئله مرگ در همه ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان اثرگذار است و حجم وسیعی از رفتار اعمال انسان را از خود متأثر می‌کند، از رفتار فردی و شخصی تا رفتار اجتماعی تحت تأثیر مسئله معادباوری است. انسان معاد باور، در همه رفتارهای فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عبادی و حتی سیاسی، خود مراقب است مرتکب ظلم و بی‌عدالتی نشود هم‌نوعان را آزار ندهد مجامع و پیرامون خود را دچار آشفتگی و ناراحتی نکند. انسان و معاد باور، مرگ را نزدیک و حساب و قضاوت الهی را حتمی و قطعی می‌داند و در گفتار، رفتار، نوشتار و حتی تفکر آن‌گونه مشی می‌کند که بتواند در پیشگاه الهی پاسخگو باشد. به همین دلیل است که توجه به معاد و مرگ، از توصیه‌های اساسی امیرمؤمنان در مسیر تربیتی فرزندش دل‌بندش است.

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج‌البلاغه
- ۳- امدی. ابوالفتح، غررالحکم و دررالکلم، نشر امام عصر، قم، ۱۳۹۵.
- ۴- بحرانی اصفهانی. عبدالله، نشر مدرسه امام مهدی، ۱۳۶۳.
- ۵- بهجت. محمد تقی، شط شراب، نشر تراث، تهران، ۱۳۹۷.
- ۶- جوادی املی. عبدالله، معاد در قرآن، نشر اسرا، ۱۳۸۸.
- ۷- صالحی مازندرانی. اسماعیل، نشر دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.
- ۸- قرائتی. محسن، معاد، نشر دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۹- قمی. شیخ عباس، مفاتیح‌الجنان.
- ۱۰- قولویه قمی. ابوالقاسم جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نشر حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۷.
- ۱۱- محمدی ری شهری. محمد، میزان‌الحکمه، نشر دار‌الحديث، ۱۳۹۵.
- ۱۲- معتمدی. غلامحسین، انسان و مرگ، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۶.
- ۱۳- مکارم شیرازی. ناصر، معاد و جهان پس از مرگ، نشر سرور، قم، ۱۳۷۶.